
هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث

مجتبی دولتی^۱ (نویسنده مسئول)

مرضیه شمسی گوشکی^۲

حسن دولتی^۳

چکیده

امروزه در جوامع مختلف حضور سیاسی و اجتماعی زن یک اصل پذیرفته شده است. از نگاه اسلام زن حقیقت بسیار ارزشمندی است که به سبب ساختار وجودی ویژه در فرایند تعلیم و تربیت و اجتماع و سیاست نقش مؤثری ایفا می‌کند. قرآن کریم در آیات متعدد حضور، مشارکت و نقش سیاسی و اجتماعی را برای زنان قائل است و سبک زندگی خاصی را برای این حضور مطرح می‌کند. در بیانیه گام دوم انقلاب نیز سبک زندگی اسلامی مورد تأکید قرار

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب،
mdmd3807@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی - فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، پردیس
فارابی. dmd3807@chmail.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد عمران، گروه عمران، دانشگاه علوم و تحقیقات سیرجان.
mdmd3807@chmail.ir

گرفته است. اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین و قرآن به عنوان کاملترین کتاب و روایات صادره از اهل بیت علیهم السلام، به هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان، به صورت مبسوط پرداخته اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین هنجارهای سبک زندگی زن تراز تمدن نوین اسلامی می پردازد. رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار، کنترل نگاه، پرهیز از اختلاط با نامحرمان، هماهنگی نقش اجتماعی با سایر مسئولیت ها و... را از جمله هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث می باشند.

کلید واژگان: تمدن نوین اسلامی، قرآن کریم، زن در اسلام، سبک زندگی

۱. مقدمه

سبک زندگی را فرهنگ آکسفورد، «راه‌های گوناگون زندگی فرد یا گروه» می‌داند. فرهنگ لانگ من، آن را «راه یا سبکی برای زیستن» می‌خواند. از نظر آسا برگرسبک زندگی مد یا حالت زندگی فرد می‌باشد. سوئل «سبک زندگی را هر شیوه متمایز، اما قابل تشخیص زیستن» تعریف کرده است. با در نظر داشتن این تعاریف، ما با واژه فراگیری روبه‌رو هستیم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، سرگرمی و تفریح، کار و شغل، تاهنر و غیره، همگی را شامل می‌شود. (نویدنیایا، ۱۳۹۳، سال ۱۱، شماره ۴۱). سبک زندگی در شکل نوین اولین بار توسط «آلفرد آدلر» در روانشناسی به سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. هرچند آدلر آن را ابداع کرد، ولی پیروان کلاسیک او و دیگران به تفصیل آن پرداخته‌اند. محققان تعاریف گوناگونی بر اساس بینش و نگرش خاص خود ارائه داده‌اند. جامعه‌شناسان در تعاریف جامعه‌شناسانه، بیشتر بر هنجارها و منش‌های اجتماعی افراد در جامعه تأکید دارند و روانشناسان بیشتر به بُعد فردی و شخصیتی می‌پردازند، ولی آنچه مهم است این‌که این تعاریف تک‌بُعدی هستند و فقط به یک بُعد از ابعاد زندگی انسان‌ها توجه داشته‌اند، ولی از آنجاکه آیین اسلام، آیینی جامع و کامل است و انسان‌ها را کامل‌تر و جامع‌تر مورد ارزیابی قرار می‌دهد و زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد، حتی رفتارهایی همانند نماز، اگر اعتقاد به خدا و معاد را پشتوانه خود نداشته باشد، رفتار اسلامی محسوب نمی‌شود، چنان‌که بسیاری از رفتارهای مرتاضان و درویشان اسلامی نیست (کاویانی، ۱۳۹۱، ۱۹). بر این، می‌توان سبک زندگی اسلامی را بدین گونه تعریف کرد: «شیوه‌هایی از زندگی است که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ایجاد ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به‌کار می‌گیرد. طبق این تعریف، سبک زندگی، سبک زندگی مصرف‌های مادی یا فرهنگی نیست، چراکه زندگی عناصر غیر از مصرف را نیز در بر دارد (شریفی و همکاران، ۱۳۹۲، ۸۱ - ۱۰۰). سبک زندگی (به انگلیسی: Life Style)، می‌تواند به علایق، نظرات،

رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند (www.en.wikipedia.org).

سبک زندگی از منظر امام خامنه‌ای (حفظه الله) یعنی، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن که آشنایی با آن از دو جهت معنوی (برای رسیدن به هدف اصلی انسان یعنی رستگاری، فلاح و نجات) و مادی (زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی) برای انسان ضرورت دارد؛ علاوه بر این که شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین می‌باشد و ایمان لنگرگاه اصلی انتخاب سبک زندگی خواهد شد. مصادیق متفاوتی نیز از طرف ایشان برای سبک زندگی شمرده شده که تقریباً همه جنبه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد از نحوه رفتار با همسر و فرزندان در خانواده گرفته تا مسئله نوع مسکن، نوع لباس، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات و مسئله خط، زبان، کسب و کار، و نوع رفتار با دوست و دشمن که بخش‌های اصلی تمدن بوده و متن زندگی انسان است. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان، ۹۵/۲/۱۳، <https://khl.ink/f/>، <https://farsi.khamenei.ir>، ۳۲۹۷).

امروزه در جوامع مختلف حضور سیاسی و اجتماعی زنان یک اصل پذیرفته شده است. مکاتب و ایدئولوژی‌های موجود برای زنان، جایگاه و شئون مختلفی را تعریف نموده‌اند. از نگاه اسلام، انسان موجودی است که برای اجتماعی زیستن ساخته شده و تکامل معنوی و مادی او نیز در همین است که زندگی جمعی داشته باشد. لذا دین مبین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، اجتماعی بودن انسان را نفی نکرده است، بلکه برعکس بر زندگی اجتماعی تأکید فراوان دارد. از نگاه اسلام زن حقیقت بسیار ارزشمندی است که به سبب ساختار وجودی ویژه در فرایند تعلیم و تربیت و اجتماع نقش مؤثری ایفا می‌کند، که از همین رو صیانت از شخصیت وی و مصون نگه داشتن آن از آسیب‌های گوناگون وظیفه‌ای است که دین مقدس اسلام تأکید فراوانی بر آن کرده است. قرآن کریم از سرچشمه وحی صادر شده است و کلام خداوند متعال می‌باشد، بنابراین بدیهی که خالق انسان از ویژگی‌های آن بهتر از هر کسی آگاه باشد و بهترین نسخه را برای مخلوقات خود پیچیده

باشد. قرآن کریم در آیات متعدد حضور، مشارکت و نقش سیاسی و اجتماعی را برای زنان می‌پذیرد و برای این حضور آن‌ها ضوابط و اصولی را مشخص می‌کند. در بیان سوابق موضوع اشاره به این نکته ضروری است که، پیرامون این موضوع کمتر پژوهشی را می‌توان یافت که به این موضوع پرداخته باشد؛ همچنین پژوهش‌های انجام در این زمینه به این موضوع به صورت مستقل و مبسوط نپرداخته است. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا برای این حضور آن‌ها ضوابط و اصولی را مشخص می‌کند؟ پرداختن به موضوع بایدها و نبایدهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و حدیث بسیار حائز اهمیت و تأثیرگذار است. اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین و قرآن کریم به‌عنوان کامل‌ترین کتاب و روایات صادره از اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان راهنما و مفسرین قرآن و در یک کلام به‌عنوان قرآن ناطق، به بایدها و نبایدهای زندگی سیاسی و اجتماعی زنان قائل بوده و به صورت مبسوط به آن پرداخته‌اند. لذا در این پژوهش، بایدها و نبایدهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و حدیث را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم.

۲. هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و

حدیث

۱. رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار

یکی از هنجارهای سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زن تراز تمدن نوین اسلامی از منظر قرآن و حدیث رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار است. از منظر قرآن کریم حریم عفاف این است که یک بانوی مسلمان برای حضور سیاسی و اجتماعی خود باید لباس شرم و حیا را از خود دور نکرده و همواره در تمام اعمال و حرکات، سخنان، نگاه‌ها و پوشش‌های او بر اساس معروف و شیوه عفیفانه باشد و روابط ضروری او با مرد نامحرم با کمال احتیاط صورت گیرد. خداوند در سوره نور می‌فرماید: ﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ

زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید» (نور، ۳۱). از وظایف دیگر بانوان لزوم رعایت عفاف در سخن گفتن با مردان نامحرم است قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾، «ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید» (احزاب، ۳۲). این آیه به نحوه سخن گفتن و حرمت صحبت کردن با ناز و عشوه و کج کردن زبان اشاره دارد. بنابراین سخن گفتن زنان تراز تمدن نوین اسلامی باید شایسته و مورد رضایت خداوند متعال و پسند عقل سلیم باشد. باید کیفیت صحبت و محتوی سخن عیفانه باشد. عادی و معمولی صحبت کند و از هرگونه سخنان غیرضروری و بیهوده، باطل و مخالف شرع و شهوت انگیز و گناه آلوده اجتناب کند. از آیه شریفه استنباط می‌شود که هرگونه ارتباط کلامی که باعث طمع و تحریک و وسوسه جنس مخالف شود ممنوع می‌باشد و زنان موظفند که آداب گفتاری را رعایت کنند (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۰).

۲. کنترل نگاه و غضب بصر

از منظر قرآن کریم حفظ و کنترل دیده و نگاه بسیار ضروری است. در اسلام در روابط زن و مرد افراط و تفریط جایز نیست و حد صحیح دیدن در محدوده شرع است. ﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنَ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید) (نور، ۳۱). غضب بصر و چشم پوشی معنی خاصی دارد که سزاوار توجه است. «غضب بصر غیر از فروبستن به معنی نادیده گرفتن است» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۵۹۹). علامه طباطبائی چکیده آیه را این‌گونه ترسیم می‌کند: «با خودآرایی و خودنمایی خود را گرفتار جاهلیت دیگری ننمایید و بکوشید در هر دوره‌ای با حفظ شئون عفت اجتماعی را پاس بدارید و فضا را آلوده نسازید» (طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۴، ۴۴۰-۴۳۷). خداوند متعال با بیان داستان دختران شعیب نبی ﷺ مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در کانون انبیاء را ترسیم نموده به این معنا که زنان همواره به‌طور مستقل در هر منشی که خود انتخاب می‌کنند، می‌توانند حضور یابند. اما آنچه اهمیت دارد هم برای او و هم برای کل جامعه وجود حیا و عفاف در تمام سطح اجتماع است. که اگر این حیا و عفت حفظ شود هیچگاه مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و حضور در

کنار مردان در جامعه خطر آفرین نیست و هرگاه سپر حیا و عفت صدمه ببیند، حتی اگر فرسنگ‌ها هم میان زن و مرد فاصله باشد، جامعه را به مخاطره خواهد افکند. موسی علیه السلام که از شهر و دیار خود به جهت حمایت از مردی بنی اسرائیلی آواره می‌شود، به شهر مدین رسید. موسی به محض ورود به مدین با جماعتی روبه‌رو می‌شود که از چاه آب می‌کشند و کمی دور از آن‌ها دو زن را می‌بیند که گوسفندان خود را حفظ می‌کنند و مانع تداخل با گوسفندان دیگر می‌شوند. موسی که دید در این صحنه، حقوق زنان نادیده گرفته شده و از حیای آن‌ها سوء استفاده می‌شود به یاری آن دو شتافت و از ایشان پرسید: شما در این جا چه می‌خواهید؟ آنان که حجب و حیا و متانت را با فعالیت‌های اجتماعی حتی از نوع اقتصادی‌اش آمیخته‌اند، با جمله‌ای کوتاه علت رفتار خود را چنین بیان می‌دارند: «ما عادت‌مان این است که تا چوپانان عزیمت نکنند آب نمی‌کشیم» و در ادامه آیات آمده که موسی علیه السلام گوسفندان ایشان را آب داد پس خود را به طرف سایه کشانید و دعا کرد و گفت: «خدایا من به آنچه از خیر که بر من نازل کرده‌ای نیازمندم» در ادامه آمده است: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتُ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾، «پس یکی از آن دو زن درحالی که به حیا و آرام گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفندان] برای ما مزد دهد و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد [وی] گفت مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی» (قصص، ۲۵). چنان‌که اشاره شد، قرآن کریم در خصوص حیای دختران شعیب «استحیاء» را در این آیه به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابتش را از طریق راه رفتنش نشان داده باشد. یعنی او برحیایی غیرقابل توصیف راه می‌رفت و زمانی مشی او بر متانت منطبق است که گفتار و رفتارش هم بر اساس متانت باشد. در مقابل، عفت موسی علیه السلام است که هنگام بازگشت به دختر شعیب علیه السلام فرمود: راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا، چون ما دودمان یعقوب به پشت سر زنان نمی‌نگریم و دختر شعیب علیه السلام به علت عفت شدید موسی علیه السلام او را به امین ملقب کرد (فتاحی زاده،

۱۳۸۷: ص ۲۰۵). بر اساس رهنمود آیه مرد مسلمان ناهنجاری اجتماعی را همان سان که بر زن و ناموس خود برنمی‌تابد و حیثیت ربایی از زن و فرزند خود را تحمل نمی‌کند این همه را درباره زن مسلمان نیز نباید تحمل کند. (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۷).

۳. پرهیز از خود آرایی و خود نمایی

در تبیین سبک زندگی زن تراز اسلام و تمدن اسلامی، قرآن کریم خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»، «ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن‌که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید» (احزاب، ۳۲). خداوند متعال خطاب به زنان پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، «در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (احزاب، ۳۳). شهید مطهری در تفسیر این آیه می‌گوید «منظور آیه زندانی کردن زنان پیامبر در خانه نیست. زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که پیامبر ﷺ زنان خود را با خود به سفری برد و آنان را از بیرون شدن از خانه مانع نمی‌شد. منظور این است که زنان به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشوند». قرآن در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید» (نور، ۲۷). در حقیقت آنچه مردان را تهییج می‌کند سه چیز است: ۱. زیبایی ۲. زیور ۳. حرکات اغواکننده که در قرآن کریم از آن‌ها به «تبرج» تعبیر شده است که یکی از مفاسد دوران جاهلیت اولی بوده و قرآن مجید از آن نهی کرده است. بیشتر وسیله اغوا و تهییج

همانان حرکات است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۳۹).

در آیات دیگر نیز آمده است: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ و «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گوید) و (ودر خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند» (احزاب، ۳۲-۳۳). نهی از نرم گویی که باعث اغوا و طمع مرد می‌شود، حجابی است که مربوط به گوش و زبان است. نهی از تبرج، نهی از نشان دادن زیبایی و زیور و حرکات اغواکننده است و از مجموع این منهیات، نظر عالی اسلام درباره حفظ فرد و اجتماع از مفاسد خانه برانداز بی‌عفتی و بی‌بندوباری کاملاً روشن می‌شود. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا» (ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹). منطق اسلام یک منطق معتدل است و وارد شدن زن در اجتماع به معنای این که اجتماع محیط شهوت‌رانی شود نیست و نخواهد بود این به معنای این است که زن و مرد انسانند و در انسانیت متساوی و متشابه ولی در عین حال مرد انسان مذکر است و زن انسان مؤنث (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

۴. پرهیز از اختلاط با نامحرمان

از منظر قرآن کریم زن تراز تمدن اسلامی زنی است که از اختلاط بین زنان و مردان نامحرم پرهیزد. خلوت کردن زن و مرد بیگانه در اسلام حرام است. البته جدایی جنسیتی

در اسلام، به معنی نفی هرگونه رابطه اجتماعی زنان و مردان و حذف زنان از اجتماع نیست. قرآن کریم درباره فلسفه و علت مخالفت اسلام با اختلاط زن و مرد با یکدیگر می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾، «و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید و مطلقاً [نباید] زنانش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است» (احزاب، ۵۳). رسول اکرم ﷺ نیز در این باره می‌فرماید: «نهی ان نلکم المرأه عند غیرزوجها و غیر ذی محرم منها اکثر من خمس کلمات مم لابدلها منه». سخن گفتن زن‌ها با غیر شوهر و غیر محرم ممنوع است مگر این‌که ناچار باشند. در این هنگام هم بیش از پنج کلمه مختصر سخن گفتن با نامحرم جایز نیست. (محمدی نیا، ۱۳۸۱، ۱۶). قرآن کریم در سوره یوسف آیه ۲۴ می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لَتَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾، «و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود» (یوسف، ۲۴). وقتی حضرت یوسف علی‌ه السلام با همسر پادشاه مصر روبه رو شد اگر ایمان و مقام نبوت و عصمت یوسف و کمک خداوند سبحان نبود، یوسف نیز به آن زن میل پیدا می‌کرد. از آیات بیان شده مشخص می‌شود یکی از خطرناکترین چیزهایی که جامعه را به فساد و نابودی می‌کشاند و سبب نزول بلا می‌شود، اختلاط زن و مرد نامحرم و رعایت ننمودن عفت و پاکدامنی در جامعه است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۴۴).

۵. استفاده از پوشش مناسب

در حجاب بودن زن از ابتکارات اسلام نیست در بین برخی از اقوام قبل از اسلام نیز حجاب مرسوم بوده است. چنان‌که پیش از این نیز اشاره کردیم، خداوند در آیه ۳۱ سوره نور

به چند نکته اشاره می‌فرماید: «وبه زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست و باید روسری خود را بر سینه خویش [فرو] اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گرددای مؤمنان همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید امید که رستگار شوید». در این آیه خداوند ابتدا به نگاه و احکام آن پرداخته و سپس به مسئله حجاب که از ویژگی زنان است چنین اشاره می‌کند:

الف) زنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن تعداد که طبعاً ظاهر است. بعضی زینت را زینت آشکار مانند النگو و دستبند و بعضی ممنوعیت را برای محل اینها می‌دانند. بنابراین زنان حق ندارند زینت خود را آشکار کنند. خصوصاً زینت‌هایی که آشکار است. و روسری خود را بر سینه‌های خود بیفکنند تا هم گران و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد.

ب) هنگام راه رفتن چنان راه نروند که جلب توجه کند تا صدای خلخال که دارند شنیده شوند زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود آن چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدایی خلخال که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این گواه باریک‌بینی اسلام در این زمینه است.

ج) زنان باید از آرایش و اشوه‌گری خودداری کنند. اسلام می‌خواهد زنان و مردان روحی، آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این فلسفه حجاب است. برهنگی و بدحجابی زنان، عامل سقوط است در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن

می‌تواند با ویژگی‌های اخلاقی‌اش علم و آگاهی و دانایی‌اش جلوه کند و حائز مقام بالایی گردد. بر خلاف نظر و انتقاد مخالفان حجاب هرگز زن را خانه نشین و منزوی نکرده است. خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾، «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند این برای آن‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است» (احزاب، ۵۹).

جلباب وسیله‌ای است که بدن را با آن بپوشانند، پوششی که از روسری بزرگتر و از چادر کوچکتر است. آیه تأکید می‌کند که جلباب یا روسری را به خود نزدیک کنند تا بدن آن‌ها نمایان نشود. به دنبال دستوری که در آیه پیش به زنان با ایمان داده شده به بعد دیگر این مسئله یعنی فعالیت‌های موزیانه اراذل و اوباش پرداخته. قرآن از اراذل و اوباش تعبیر به بیماردلان کرده همانطوری که در آیه ۳۳ همین سوره تعبیر به افراد هوسباز و شهوتران نیز آمده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴: جلد ۱۷، ص ۴۳۶). در آیات مورد بحث در زمینه رعایت حجاب اسلامی به‌طور کامل آمده است و به پیامبر ﷺ می‌گوید این دستور را ابلاغ کن نخست همسران پیامبر ﷺ مطرح شده، بعد دختران او و سپس زنان مؤمن. مفاسد اجتماعی، چون غالباً تک علتی نیست باید مبارزه با آن را از همه جوانب شروع کرد. و جالب این‌که در آیات فوق برای جلوگیری از مزاحمت‌های افراد هرزه نخست به زنان با ایمان دستور می‌دهد که بهانه‌ای به دست آن‌ها ندهد، سپس مزاحمین را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می‌نشانند (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۵: ۶۲ - ۶۰). قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی می‌نگرند. (بلوردی، ۱۳۸۷، ص ۳۷ - ۳۶).

۶. پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

رسول خدا ﷺ از زنان بیعت گرفت که هیچ‌گاه با مردان خلوت نکنند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱۵۸). ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: که هیچ مردی با زنی بدون حضور محرم خلوت

نکند (بخاری، بی تا، ج ۱۱، ۲۴۶).

۷. اجتناب از قرار دادن خویش در جایگاه تهمت

حضرت علی علیه السلام می فرماید: هرکس خود را در معرض تهمت قرار دهد، نباید بدگمان به خود را ملامت کند (عبده، بی تا، ج ۴، ۴۱).

۸. پرهیز از شبیه کردن زنان به مردان و بالعکس

پیامبر صلی الله علیه و آله مردان وزنانی را که خود را به جنس دیگر شبیه سازند را لعنت کرده است (کلینی، ۱۴۰۵؛ بخاری، ۱۴۲۲؛ ابن الجوزی، ۱۴۱۹).

۹. پرهیز از پوشیدن لباس شهرت

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس در دنیا لباس شهرت بر تن نماید، خداوند در روز قیامت، لباس مانن آن بر تنش می کند. لباس شهرت آن است که با عرف عمومی جامعه ناسازگا باشد. و عرف و عادات باید مراعات گردد که مغایر با شریعت اسلامی نباشد (الازدري الجستانی، ۱۴۲۱، الشوکانی، ۱۲۵۵).

۲. اصل دوم: هماهنگی نقش اجتماعی با نقش خانوادگی

در واگذاری نقش اجتماعی به زنان باید دقت شود که پیامدهای انتخاب نقش مثبت و مفید و سبب حرکت جامعه به سوی پیشرفت باشد. بعضی از نقش ها در اسلام فقط به مردان واگذار شده و زنان از این مسئولیت ها منع شده اند بعضی از کارهای دشوار مانند وجوب حضور در نماز جمعه هرچند از فاصله چند فرسخ تکلیف مرد است چنین تکلیف بر عهده زن نیست زن حق شرکت در نماز جمعه را دارد. مانند مردان اگر نماز جمعه به امامت امام جمعه مرد خوانده شود لازم نیست نماز ظهر را اعاده نمایند نماز جمعه برای زن هم کافی است. نقش اجتماعی زنان باید با مصالح شخصی او نیز سازگار باشد که آیا زن با انتخاب این نقش توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ یا با این نقش رشد می یابد یا دچار عقب

ماندگی می‌شود یا با این نقش با توانمندی و قابلیت‌های او سازگار است (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۳-۱۵۲).

۱.۲. هماهنگی نقش اجتماعی با وظیفه مادری

از ابتدای آفرینش و قبل از هر گونه سابقه تربیتی و تاریخی، زن و مرد با آزادی عمل و با شرایط مساوی پا به عرصه زندگی گذاشتند اما تفاوت خاصیت و وظیفه، وضع آنان را از یکدیگر متمایز کرد. تعلق بیشتر زنان به خانه و تماس بیشتر مردان با امور اجتماعی و سیاسی آن‌گونه که بعضی تصور کرده‌اند لزوماً نتیجه بی‌عدالتی و بیدادگری جامعه و بی‌اعتنایی به حقوق زنان نیست، بلکه به مقدار زیادی معلول خلقت و رعایت صلاح حال زن و مرد و لازمه تضمین بقاء نوع و تا حدودی فطری زنان است. برهم زدن این اختلاف موقعیت به نحو تصنعی، خلاف طبیعت و موجب اختلال نظم طبیعت می‌تواند باشد و این مطلب از این جهت قابل تأمل است که سنخ ساختمانی زن و مرد متفاوت است و در مواقع سنجش این دو از لحاظ قوت و یا ضعف و بزرگی و کوچکی مورد ندارد و وجود هر یک در حد خود دارای کمال لزوم و اهمیت است. نقش زن بسیار لازم و مهم است و چون برای رسالت و ویژه‌ای خلق شده قانون آفرینش گرمی کانون خانواده و پرورش نسل‌ها بر عهده زن گذاشته و به همین دلیل سهم بیشتری از عواطف و احساسات را به او داده است. موظف ساختن زنان به کار و تلاش برای، تأمین احتیاج‌های مادی زندگی با مسئولیت‌های مهمی چون مادری، پرورش نسل نو، رونق بخشیدن به کانون خانواده، با توجه به جذابیت زن در خانواده برخوردار بودن وی از عاطفه مضاعف و تأمین نیازهای عاطفی خانواده معارض می‌باشد چرا که مسئولیت تأمین زندگی شخصی زن بر عهده خودش باشد ناچار باید بخشی از فرصت خویش را در تلاش برای تهیه آن نیازمندیها صرف نماید و بعد از فراغت از کار طبعاً باید استراحتی کند تا بتواند پاسخگوی مسئولیتهای خانودگی باشد. روشن است در این فاصله مسئولیت‌های زن بر زمین خواهد ماند و از همین رهگذر خانواده در معرض تهدید و سراسیمگی سقوط قرار خواهد گرفت. استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید: وظایف

طبیعی زن در تولید مثل ایجاب می‌کند که زن از نقطه نظر مالی و اقتصادی نقطه اتکایی داشته باشد زنان به طور طبیعی در طول زندگی با مشکلاتی مواجه‌اند که داشتن یک پشتوانه و تکیه گاه برای آنان ضروری است. ریشه بسیاری از کج روی‌ها، بزه کاری‌ها و عقده‌های روحی و روانی را باید در تزلزل بنیان خانواده جست و جو کرد. شکل‌گیری شخصیت افراد به ویژه کودکان در خانواده صورت می‌گیرد که در این شکل‌گیری مادران بسیار مؤثرند. آیا تربیت فرزندان سالم و تحویل آنان به جامعه کار نیست؟ آن‌ها که این رسالت عظیم را کار مثبت محسوب نمی‌کنند از نقش خانواده در تربیت در ساختن یک اجتماع سالم و آباد و پر تحرک بی‌خبرند (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۴). اگر زن عهده دار مسؤلیت‌های مهم کلیدی شود باز هم مجبور به برخورد با صدها مرد و متقاضی و مانند آن می‌شود به همین جهت کارهای اجرایی را تقسیم نموده‌اند و کسی نمی‌تواند مدعی شود که ثواب و پاداش آن زنی که در دامن خود یا در کلاس درس انسانهای قاضی و مجتهد و ولی پرورش می‌دهد کمتر از مردی است که بر اثر تربیت صحیح آن زن به مقام قضاوت نشست و به امور جاری مردم می‌پردازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۳ - ۳۱۴) باید نقش اجتماعی به گونه‌ای اجرا شود که شور و شوق مادری در زن کم فروغ نشود بلکه این نیاز به در او به خوبی ارضا شود.

۲.۲. هماهنگی نقش اجتماعی با سمت همسری

اجتماعی که زن را مجبور به تلاش معاش می‌کند و زن را از خانه به بازار بکشانند و سمت همسری را نادیده بگیرد. یا نسل در آن بی‌حضور مادر امتداد یابد اجتماع کامل و ایده آل نیست. در فرهنگ و قانون اسلام زن و مرد در بهره‌مندی از کسب و تلاش و پاداش و عبادات و الزام به وظایف و مسؤلیت‌ها مساویند. ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهٖ بَعْضَكُمْ عَلٰی بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِیْبٌ مِّمَّا كُتِبُوْاْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِیْبٌ مِّمَّا كُتِبْنَ وَاَسْأَلُوْا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمًا﴾ (و زنهار آنچه را خداوند به [سبب] آن بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است و از فضل خدا درخواست کنید که خدا به هر

چیزی داناست) (نساء، ۳۲). حق هر کس باید متناسب با وضع خلقی و تکوینی او باشد تساوی در موردی که اعتبارات و مسئولیتها در آن مختلف است در حکم عدم تساوی وظیفه است. (دزفولی، ۱۳۷۵؛ ۳۱) اگر قرار باشد دو نفر دوش به دوش یکدیگر توانایی خویش را در تلاش برای تأمین زندگی مادی خود و یا خانواده مستهلک سازند دیگر برای آنها توان و حوصله باقی نمی ماند که سنگ صبور همدیگر و تسکین دهنده آلام و کسالت‌های به وجود آمده جسمی و روانی در اثر کشمکش روزگار باشند. از آنجایی که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار باارزش و مهم است و باید از آن پاسداری کرد و نقش اجتماعی زنان وهمسران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه این که باعث تزلزل بنیاد خانواده گردد. زنان اصلی ترین رکن در خانواده هستند قرآن کریم زنان را مایه تسکین مردان خلق کرد در واقع نحوه تعامل زنان با مردان است که از یک مرد اقامه گر قسط و عدل می سازد و از دیگری مستضعف. بر اساس نقشه جامع قرآنی اصلی ترین تکلیف زنان و جهاد ایشان را حسن همسراری معرفی می کند در واقع مسولیت زن مجاهدپوری است. کار بیرون از خانه و درون خانه باید به نوعی تلفیق شود که هیچ کدام مزاحم دیگری نباشد و شخصیت زنانگی زن و مایه آرامش بودنش را برای شوهر از بین ببرد و انرژی و توانایی زن در کار بیرون از دست برود و خستگی او نصیب شوهر شود (دولتی، ۱۳۹۶، ۱۵۶). نقش اجتماعی زن باید متناسب با حقوق شوهر و منوط به اجازه او باشد. (فصلنامه بانوان شیعه ۱۳۸۷. شماره ۱۷. ص ۱۱۱).

نتیجه گیری

از ابتدای آفرینش و قبل از هر گونه سابقه تربیتی و تاریخی، زن و مرد با آزادی عمل و با شرایط مساوی پا به عرضة زندگی گذاشتند اما تفاوت خاصیت و وظیفه، وضع آنان را از یکدیگر متمایز کرد. تعلق بیشتر زنان به خانه و تماس بیشتر مردان با امور اجتماعی و سیاسی آن گونه که بعضی تصور کرده اند لزوماً نتیجه بی عدالتی و بیدادگری جامعه و بی اعتنائی به حقوق زنان نیست، بلکه به مقدار زیادی معلول خلقت و رعایت صلاح حال

زن و مرد و لازمه تضمین بقاء نوع و تا حدودی فطری زنان است. برهم زدن این اختلاف موقعیت به نحو تصنعی، خلاف طبیعت و موجب اختلال نظم طبیعت می‌تواند باشد و این مطلب از این جهت قابل تأمل است که سنخ ساختمانی زن و مرد متفاوت است و در مواقع سنجش این دو از لحاظ قوت و یا ضعف و بزرگی و کوچکی مورد ندارد و وجود هر یک در حد خود دارای کمال لزوم و اهمیت است. نقش زن بسیار لازم و مهم است و چون برای رسالت ویژه‌ای خلق شده قانون آفرینش گرمی کانون خانواده و پرورش نسل‌ها بر عهده زن گذاشته و به همین دلیل سهم بیشتری از عواطف و احساسات را به او داده است. موظف ساختن زنان به کار و تلاش برای، تأمین احتیاج‌های مادی زندگی با مسئولیت‌های مهمی چون مادری، پرورش نسل نو، رونق بخشیدن به کانون خانواده، با توجه به جذابیت زن در خانواده برخوردار بودن وی از عاطفه مضاعف و تأمین نیازهای عاطفی خانواده معارض می‌باشد چرا که مسئولیت تأمین زندگی شخصی زن بر عهده خودش باشد ناچار باید بخشی از فرصت خویش را در تلاش برای تهیه آن نیازمندیها صرف نماید و بعد از فراغت از کار طبعاً باید استراحتی کند تا بتواند پاسخگوی مسئولیتهای خانودگی باشد. بایدها و نبایدهای سبک زندگی از منظر قرآن کریم و روایات (اسلام) به اندازه‌ای مهم و اساسی است که حضور سیاسی و اجتماعی زنان تنها در سایه این بایدها و نبایدها است که می‌تواند ضامن آرامش و آسایش جامعه باشد. از منظر قرآن کریم و روایات برخی از این بایدها و نبایدها عبارتند از:

- عرصه و میدانی که اسلام برای زنان ایجاد نمود قطعاً قابل مقایسه با دیگر ادیان نیست اما ابتکار و نوآوری اسلام به تنهایی در این مسأله خلاصه نمی‌شود بلکه اسلام برای زنان بیش از هر چیز با خود هویت، و منزلت و احترام توأم با تأثیر به ارمغان آورد. زنان اصلی‌ترین عامل بقای نوع انسان و مهم‌ترین عنصر در قانون تکوینی وراثت و نسب به شمار می‌روند.
- قرآن حضور زنان در اجتماع را با رعایت ضوابط و شرایطی مجاز و حتی در مواردی ضروری شمرده است. تأکید قرآن بر عدم اختلاط زن و مرد و وظیفه و مصلحت جامعه اقتضاء می‌کند که جز کارهایی که در شأن و منزلت زنان است کارهای دیگر را به دست

مردان بسپارند.

- قرآن از شیوه اعتدال تبعیت نموده است با شرکت زنان در مشارکت های اجتماعی همانند انتخابات، تصمیم گیری، حاکمیت، مشورت، بیعت نمودن، اشتغال، هجرت، موافقت نموده است. زن مسلمان در عین حالی که به عنوان عضو فعال در اجتماع نقش دارد باید ملبس به لباس فضیلت و عفاف باشد از اصلی ترین و محوری ترین ویژگی های روحی و اخلاقی زنان رعایت عفت و حجاب اسلامی است که سایر فعالیت ها بدان ارزش پیدا می کند بارزترین مشخصه زن مسلمان در نظام اسلامی پاکدامنی و رعایت شئون اسلامی است که کامل کننده و متمم نقش آفرینی در فعالیت های سیاسی و اجتماعی آنان است. زنان در هر شرایطی و در هر عرصه ای باید خط قرمز بین عفت و بی عفتی، فضیلت و رذیلت تقوا و بی بندوباری و حجاب و بی حجابی را مد نظر قرار دهد و باید حضور خود را در اجتماع به زیور وارستگی و تقوا آراسته نماید. اشتغال زنان در قرآن با عنوان حق مالی آنان بیان شده و داشتن شغل متناسب که دارای درآمد باشد مورد تأیید قرآن است.

رعایت حجاب و عفت در گفتار و رفتار بانوان محترم به حدی ضروری است که هر چه عیفانه تر و پوشیده تر باشند و از حجاب و وقار و متانت بیشتر و حجاب و پوشش بهتری برخوردار باشند از همه مزایا و برکات عفاف و حجاب اسلامی، بیشتر بهره مند می شوند و برای پاکی قلب های خود و دل های مردان امنیت بیشتر و فرزندان آینده ساز بهتر خواهد بود. سخنان حکمت آمیز قرآن در حریم های عفاف این است که یک بانوی مسلمان باید لباس شرم و حیا را از خود دور نکرده و همواره باید تمام اعمال و حرکات، سخنان، نگاه ها و پوشش های او بر اساس معروف و شیوه عیفانه باشد براساس منکر و روابط ضروری او با مرد نامحرم با کمال احتیاط صورت گیرد می توان عفت را چندین مورد نامگذاری و بیان کرد.

مسئله بسیار مهم دیگری که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن کریم وجود دارد، وجوب حفظ و کنترل دیده و نگاه است. در اسلام در روابط زن و مرد افراط و

تفریط جایز نیست حد وسط که دیدن در محدوده شرع است، مورد تأکید می باشد. قرآن زنان و مردان مؤمن را سفارش فرموده که از نگاه های حرام بپرهیزند. بیم نگاه حرام بنا بر نظر قرآن و تأیید روایات از اصلی ترین عوامل منع حضور زنان در جامعه است. در صورت رعایت حضور در اجتماع بلامانع می باشد زیرا نگاه حرام تیری از تیرهای شیطان است.

پرهیز از خود آرایی و خود نمایی نکته دیگری است که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان مورد تأکید قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام می باشد. نهی از نرم گویی که باعث اغوا و طمع مرد می شود، حجابی است که مربوط به گوش و زبان است. نهی از تبرج نهی از نشان دادن زیبایی و زیور و حرکات اغوا کننده است و از مجموع این منهیات نظر عالی اسلام درباره حفظ فرد و اجتماع از مفاسد خانه برانداز بی عفتی و بی بندوباری کاملاً روشن می شود

در سبک زندگی مورد نظر قرآن، اختلاط بین زنان و مردان نامحرم را ممنوع است. خلوت کردن زن و مرد بیگانه در اسلام حرام است. البته جدایی جنسیتی در اسلام، به معنی نفی هرگونه رابطه اجتماعی زنان و مردان و حذف زنان از اجتماع نیست. از آیات قرآن کریم استفاده می شود که جز در موارد اضطرار اسلام شدیداً با اختلاط زن و مرد نامحرم و رفت و آمد آنان با یکدیگر مخالف است. تا جائیکه اختلاط زن و مرد نامحرم را باعث نزول بلا و سبب بروز درد ها و مشکلات می داند، که آن درد ها درمان نخواهد شد مگر اینکه زن و مرد از یکدیگر جدا باشند.

در سبک زندگی قرآنی زنها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن تعداد که طبعاً ظاهر است. همچنین زنان باید از آرایش و اشوه گری خودداری کنند. اسلام می خواهد زنان و مردان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوش پاک داشته باشند و این فلسفه حجاب است. هنگام راه رفتن نیز چنان راه نروند که جلب توجه کند تا صدای خلخال که دارند شنیده شوند زنان در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله ور می سازد

اجتناب از قرار دادن خویش در جایگاه تهمت، مسئله دیگری است که در سبک زندگی سیاسی و اجتماعی زنان از منظر قرآن و روایات به آن تأکید فراوان دارد.

از جمله مسائل دیگری که در نگاه قرآنی به سبک زندگی مطرح می‌باشد، پرهیز از شبیه کردن زنان به مردان و بالعکس است. قرآن کریم و روایات اسلامی برهنگی و بدحجابی زنان را یکی از عوامل سقوط در جامعه می‌داند. در چنین جامعه ای چگونه یک زن می‌تواند با ویژگی‌های اخلاقی اش علم و آگاهی و دانایی اش جلوه کند و حائز مقام بالایی گردد. بر خلاف نظر و انتقاد مخالفان حجاب هرگز زن را خانه نشین و منزوی نکرده است.

در سبک زندگی قرآنی نقش اجتماعی زنان باید با مصالح شخصی او نیز سازگار باشد که آیا زن با انتخاب این نقش توانایی انجام آن را دارد یا خیر؟ یا با این نقش رشد می‌یابد یا دچار عقب ماندگی می‌شود یا با این نقش با توانمندی و قابلیت‌های او سازگار است. همچنین در واگذاری نقش اجتماعی به زنان باید دقت شود که پیامدهای انتخاب نقش مثبت و مفید و سبب حرکت جامعه به سوی پیشرفت باشد.

نکته دیگری که در سبک زندگی قرآنی مطرح است این نکته است که، باید نقش اجتماعی به گونه ای تعریف و اجرا شود که شور و شوق مادری در زن کم فروغ نشود بلکه این نیاز در او به خوبی ارضا شود. اجتماعی که زن را مجبور به تلاش معاش می‌کند و زن را از خانه به بازار بکشانند و سمت همسری را نادیده بگیرد. یا نسل در آن بی حضور مادر امتداد یابد اجتماع کامل و ایده آل نیست. از آنجایی که قداست و استواری خانواده در جامعه اسلامی بسیار باارزش و مهم است و باید از آن پاسداری کرد و نقش اجتماعی زنان و همسران در خارج از خانه نیز باید در راستای تحقق این اصل قرار گیرد نه اینکه باعث تزلزل بنیاد خانواده گردد.

زنان اصلی‌ترین رکن در خانواده هستند قرآن کریم زنان را مایه تسکین مردان خلق کرد در واقع نحوه تعامل زنان با مردان است که از یک مرد اقامه‌گر قسط و عدل می‌سازد و از دیگری مستضعف. بر اساس نقشه جامع قرآنی اصلی‌ترین تکلیف زنان و جهاد ایشان را حسن

همسرداری معرفی می‌کند در واقع مسولیت زن مجاهدپروری است. کار بیرون از خانه و درون خانه باید به نوعی تلفیق شود که هیچ کدام مزاحم دیگری نباشد و شخصیت زنانگی زن و مایه آرامش بودنش را برای شوهر از بین ببرد و انرژی و توانایی زن در کار بیرون از دست برود و خستگی او نصیب شوهر شود.

- زنان سرچشمه صلاح و فساد در هر جامعه‌ای هستند و لذا نقش آن‌ها در جامعه بالاتر از نقش مردان است زیرا علاوه بر این که در اجتماع نقش دارند قشرهای فعال را در دامن خود تربیت می‌کنند. صلاح جامعه یا فساد آن در دست زنان است دختران امروز مادران فردا هستند. بنابراین باید در مدارس و دانشگاه‌ها ترتیبی داده شود که زنان متعهد و آشنا با احکام و ضوابط قرآنی تربیت شوند. و واحدهایی برای تدریس تدوین شود که اطلاعات لازم در زمینه الگوی کامل و انسانی زنان از دید قرآن به دختران ارائه دهد.

فهرست منابع:

قرآن کریم.

۱. ابن الجوزی، علی بن محمد، ۱۴۱۹ق، بستان الواعظین و ریاض السامعین، بیروت: مؤسسه الکتب الثاقیه.
۲. بخاری، بی تا، صحیح بخاری، ج ۱۱، استانبول: الدعوه.
۳. بلوردی، طیبه (۱۳۸۷) نگاه از منظر اسلام: قم: انتشارات زائر.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸) زن در آئینه جلال و جمال. چاپ نوزدهم. قم: مرکز نشر اسراء.
۵. دولتی، فاطمه، ۱۳۹۶، جایگاه اجتماعی زن در قرآن کریم، قم: صلوات
۶. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، ۱۲۵۰ق، الفوائد المجموعه فی الاحداث الموضوعه، تصحیح عبدالرحمن یحی المعلمی الیمانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. شیخ الاسلامی. جعفر (۱۳۸۵) گذری بر قرآن، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مدرسه
۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۴) تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر. جلد ۱۴، قم: انتشارات حوزه علمیه.
۹. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۸۷) تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر. جلد ۱۶، قم: انتشارات حوزه علمیه
۱۰. فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۷) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم. قم: انتشارات بوستان کتاب
۱۱. قرائتی. محسن (۱۳۸۸) گزیده تفسیر نور. چاپ دوم. تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۲. کاویانی، محمد. (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). اصول کافی. تصحیح و تحقیق علی‌اکبر غفاری. تهران: دارالکتاب الإسلامیه.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۵، اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.
۱۵. کمالی، درفولی - علی (۱۳۸۵) قرآن و مقام زن. چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسوه.

۱۶. محمدی نیا، اسدالله (۱۳۸۸) فعالیت اجتماعی بانوان، تهران: انتشارات سبب اکبر.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) نظام حقوق زن در اسلام. چاپ چهل و نهم. تهران: انتشارات صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۴) تفسیر جوان. جلد ۱۷. تهران: چاپ معراج.

مقالات و سخنرانی‌ها:

۱۹. اوحدی حائری، پروین دخت (۱۳۸۷) جایگاه زن در عصر امامت امام علی علیه السلام. فصلنامه بانوان شیعه. شماره ۱۷. قم: انتشارات ریاست جمهوری.
۲۰. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۱/۷/۲۳، بیانات در جمع جوانان استان خراسان شمالی.
۲۱. شریفی، عنایت الله و مهرعلی لطفی، (۱۳۹۲)، سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم علیهم السلام، شناسنامه علمی شماره، دوره ۴، شماره ۱۴، صفحه ۱۰۰-۸۱.
۲۲. نویدنیا، منیژه، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه امنیت اجتماعی و سبک زندگی (تحقیقی در شهر تهران)، خلخال: فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، سال ۱۱، شماره ۴۱.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها:

۱ <https://farsi.khamenei.ir>

۲ www.en.wikipedia.org